

مبانی فقهی مهریه، موانع و راهکارهای استیفای آن

دکتر عباسعلی حیدری

استادیار و عضو هیأت علمی دانشکاه آزاد اسلامی - واحد اراک

◆ چکیده:

مهریه به عنوان یکی از امتیازاتی است که شریعت اسلام برای زن قائل شده و تشریح آن با در نظر گرفتن آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از معصومین - علیهم السلام - ثابت است. اگر چه در ظاهر مهریه به عنوان امتیاز ویژه ای برای زنان بوده، تا جایی که حتی زن می تواند قبل از دریافت مهریه از ایفای وظایفی که نسبت به شوهر خود دارد امتناع ورزد؛ اما تجربه نشان داده است که در بسیاری از موارد زنان به این حق قطعی خود دسترسی نمی یابند و بدون رضایت باطنی ناچارند که از این حق، صرف نظر کنند. این نوشتار که با روش پژوهش کتابخانه ای تدوین شده است، ضمن بررسی مبانی فقهی مهریه به موانع و راهکارهای استیفای آن پرداخته، با این هدف که زمینه تحولی را در نگرش عمومی و قوانین موضوعه ایجاد نماید، نگارنده به این نتیجه دست یافته است که فقدان پشتوانه های حقوقی لازم، شیوع فرهنگ نادرست قابل استیفا نبودن مهریه، مقرر داشتن مهریه سنگین و وابسته کردن مطالبه آن با انفصال و جدایی، در انحصار مرد بودن حق طلاق و فقدان سیستم اطلاعاتی کارآمد جهت ثبت و ضبط اموال و دارایی های افراد جامعه، به عنوان موانع اساسی استیفای این حق بوده و اصلاح و تکمیل قوانین موضوعه، بهره گیری از ابزارهای فرهنگ ساز جهت اصلاح نگرش عمومی جامعه به موضوع مهریه، طراحی سیستم اطلاعاتی مناسب جهت آگاهی دقیق از اموال و دارایی های افراد، بیمه اجباری مهریه تا سقف معین و الزام زوج به استفاده از تسهیلات جهت پرداخت تمام یا بخشی از مهریه به صورت یکجا در هنگام طلاق می تواند از جمله راهکارهای استیفای این حق باشد.

کلمات کلیدی: مهریه، مهر، صداق، مهر المسمی، مهر المثل، مهر السنه، متعه، زوجه، زوج، مطلقه

مقدمه

از سنت های دیرین زندگی بشری از جمله مسلمانان در عقد ازدواج پرداخت یا متعهد شدن واگذاری اموالی از جانب زوج به زوجه بوده است، علی رغم اینکه این سنت بنابه دلایلی پسندیده به نظر می رسد، اما همواره با مسایل و دغدغه های حاشیه ای مواجه بوده و هست. با بررسی متون فقهی و روایی نمی توان برای مهر و تشریح آن در شریعت اسلام فلسفه مشخص و قطعی را ارائه نمود و اساساً مهر حکمی امضایی محسوب می شود، اما برابر آنچه که در کتاب « رساله فی المهر » شیخ مفید آمده است (شیخ مفید ، بی تا ، ۳) ، اهدافی را به صورت سؤال مطرح نموده که به نظر می رسد علل قطعی ای برای تشریح مهر محسوب نمی شوند، که از جمله آنها عبارت است از اینکه گفته شود پرداخت مهر به زوجه به منزله اعلام قدرت زوج بر اداره زوجه و تأمین معاش وی بوده است. با توجه به شرایط فعلی که در اغلب قریب به اتفاق موارد مهریه پرداخت نمی شود و در ذمه زوج می ماند این اعلام منفی خواهد بود، به ویژه آنکه کشف توانایی زوج به اداره امور اقتصادی خانواده به این منحصر نیست که بتواند در هنگام عقد مبلغی را به عنوان مهر به زوجه پردازد. ممکن است گفته شود که علت تشریح مهر و امضای آن به خاطر اظهار دوستی و علاقه و مودت و شیفستگی صادقانه زوج به زوجه باشد، یا اینکه برای ایجاد آرامش و فراغت خاطر و جلب اعتماد و اطمینان زوجه مهر به وی پرداخت می شود؛ و مواردی از این قبیل که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی گنجد ؛ اما آنچه که در عصر کنونی دارای اهمیت است انگیزه های زوجین برای در نظر گرفتن مهریه است. ای بسا در بیشتر موارد اگر از زوج سؤال شود و این موضوع در اختیار وی قرار داده شود، تمایلی به در نظر گرفتن مهر به ویژه با رقم سنگین ندارد؛ اما در مقابل زوجه تمایل دارد در آغاز راه قدم محکمی در این راستا بردارد و با در نظر گرفتن مهریه سنگین اولاً تضمینی به بقا و تداوم زندگی زناشویی داشته باشد، به طوری که زوج نتواند با استفاده از قدرت و اختیاری که قانون و شرع برای وی در نظر گرفته به هر دلیلی این پیوند را از هم بگسلد و ثانیاً با فرض تحقق چنین شرایطی بتواند برای ادامه راه زندگی خود آرامش خاطر از بعد اقتصادی داشته باشد؛ حال آیا این دو هدف با مهریه سنگین حاصل می شود یا خیر، موضوعی قابل بررسی خواهد بود.

نگارنده در این مقاله ضمن بررسی مبانی فقهی مهریه و مسایل و احکام مربوط به آن ، به اهم موانع موجود بر سر راه استیفای این حق مشروع زنان و احیاناً راهکارهای پیشنهادی می پردازد.

تعریف مهریه: مهر به بیان ساده مقدار مالی است که زوج پرداختن آن را به زوجه در هنگام انعقاد عقد نکاح و یا پس از آن به عهده می‌گیرد، بدین ترتیب ذمه زوج به تأدیه آن مشغول و زوجه نیز با جاری شدن عقد نکاح مالک آن خواهد شد.

شیخ مفید در تعریف مهر می‌نویسد: (شیخ مفید، بی تا، ۳) « ما يلتزم الزوج بأدائه إلى زوجته حين يتم عقد زواجه بها » مهر عبارت است، از آنچه که زوج پرداختش را به زوجه هنگام انعقاد عقد نکاح با وی، عهده دار می‌شود.

شرایط مهر: براساس مواد ۱۰۷۸ الی ۱۰۸۰ قانون مدنی شرایط مهر عبارت است از:

الف) مالیت داشته باشد؛

ب) قابل تملک باشد؛

ج) معلوم باشد، به گونه ای که جهالت زوجین منتفی باشد؛

د) تعیین آن با تراضی طرفین باشد.

شیخ انصاری (ره) در خصوص ماهیت و شرایط مهر معتقدند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ هـ. ق، ۲۵۵)، هر آنچه که تملک آن صحیح باشد، خواه عین باشد یا منفعت مهر قرار دادن آن صحیح است؛ حتی اگر آن منفعت بدین گونه باشد که زوج خودش را تا مدت معینی اجیر زوجه گرداند تا برای وی کار کند، صحیح خواهد بود.

ففا اتفاق نظر دارند که عین یا منفعت می‌تواند موضوع مهر قرار داده شود؛ اما اینکه آیا حقوقی که قابلیت انتقال را داشته و ارزش مالی دارند می‌تواند به عنوان مهر قرار داده شود، مثل حق تحجیر^۱ اختلاف نظر دارند. برخی می‌گویند: (نجفی، ۱۳۶۷ هـ. ش، ۳۱) روایتی که در باره مهر می‌فرماید: « ما تراضی علیه الناس » (شیخ کلینی، ۱۳۶۷ هـ. ش، ۲۷۸) عام است، بنابراین شامل حقوق نیز می‌شود. برخی دیگر بر این نظر اشکال می‌گیرند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ هـ. ق، ۲۵۵) مبنی بر اینکه « ما تراضی علیه الناس » از نظر قلت و کثرت مورد نظر است، نه از این جهت که هر چه را بخواهند می‌توانند مهر قرار دهند. و روایت بر این دلالت دارد که: « ما تراضی علیه

۱. تحجیر عبارت است از شروع کردن در مقدمات آباد کردن زمین. مثل اینکه به قصد حیات، نشانه‌هایی در زمین قرار دهند.

تحجیر موجب ملکیت نمی‌شود ولی برای تحجیر کننده حق اولویت ایجاد می‌کند. (فیض، بهار ۱۳۸۲، ۲۰۳)

الناس من كثير أو قليل، لذا با وجود قرینه کثیر و قلیل فهمیده می شود که مراد از آن مال است نه حق. بنابراین مهر باید مال باشد، اما آن مال از نظر قلت و کثرت به رضایت و توافق طرفین برمی گردد. امام خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله آورده اند: ظاهر این است که مهر قرار دادن حقی مالی که قابلیت نقل و انتقال را داشته باشد، مثل حق تحجیر صحیح می باشد. (امام خمینی، بی تا، ۲۶۵)

انواع مهریه: در متون فقهی و قوانین موضوعه انواع مختلفی را برای مهر در ضمن مباحث مختلف بر شمرده اند که عبارت است از:

الف) مهر المسمی؛ به مهری گفته می شود که در ضمن عقد نکاح با توافق طرفین از آن نام برده می شود و در ضمن عقد، زوج اداء آن را به عهده می گیرد.

ب) مهر السنه؛ به مقدار مهری گفته می شود که سنت پیامبر اکرم (ص) محسوب می شود و فقها آن را اینگونه تعریف کرده اند که: «المهر الذي سنَّ رسولُ الله صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم جعله لعامة أزواجه و هو خمسمائة درهم» (محقق حلی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۵۴۵) مهر السنه عبارت است از مهری که رسول خدا - که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد - آن را سنت قرار داده و برای همه همسرانش در نظر گرفته است و آن پانصد درهم بوده است.

ج) مهر المثل؛ به مهری گفته می شود که در هنگام انعقاد عقد نکاح از آن نام برده نمی شود و میزان آن تعیین نمی گردد، در این صورت عقد نکاح (دائم) باطل نمی شود، چرا که در صحت نکاح دائم ذکر مهر شرط نیست؛ اما در برخی شرایط زوج موظف به پرداخت مبلغی به عنوان مهر می باشد و برای تعیین مبلغ مورد نظر زوجه را با دختران مثل او می سنجند و برای او مهر تعیین می کنند؛ مثل آنجایی که در زمان عقد مهری تعیین نمی کنند، اما می توانند پس از عقد بر چیزی به عنوان مهر تراضی کنند که اگر قبل از حصول این تراضی نزدیکی صورت گیرد، زن مستحق مهری می شود که در بین زنان هم ردیف و هم سطح او متعارف می باشد. به چنین مهری، مهر المثل گفته می شود.

د) مهر المتهه؛ مهر المتهه را نیز با اندکی مسامحه می توان نوعی از مهر محسوب نمود که در صورت معین نشدن مهریه در ضمن عقد نکاح مصداق پیدا می کند و آن در شرایطی است که:

الف) در ضمن عقد نکاح مهری تعیین نشود و زوج پس از انعقاد عقد، قبل از نزدیکی و بدون تعیین مهر پس از انعقاد عقد زوجه را طلاق دهد؛

ب) یا عدم مهر در ضمن عقد نکاح شرط شود و زوج پس از انعقاد عقد، قبل از نزدیکی و بدون تعیین مهر پس از انعقاد عقد نکاح زوجه را طلاق دهد؛

ج) یا کسی که تعیین مهر پس از عقد به وی تفویض شده است، بمیرد و نزدیکی هم صورت نگرفته باشد؛

در این شرایط زن استحقاق مالی را به عنوان متعه پیدا می کند، که میزان آن با توجه به شرایط مالی و اقتصادی مرد تعیین می شود. اگر چه فقها در کتب فقهی خود برخی از مصادیق از جمله دابه و لباس و دینار و درهم را نام برده اند؛ (امام خمینی، بی تا، ۲۶۶) اما به نظر می رسد که نمی توان کالای معین و یا میزان ثابتی را برای همه ادوار و اعصار تعیین کرد، بلکه نوع، جنس و میزان آن با توجه به شرایط عرفی و اقتصادی تعیین می شود.

مبانی فقهی مهریه :

الف) آیات قرآنی

اگر چه در قرآن کریم به مهریه با لفظ و ریشه آن (مهر) اشاره نشده است، اما آیاتی به موضوع مهریه با الفاظ و عبارات مترادف پرداخته اند که می توان آن آیات را نخستین و مهمترین مبنای اثبات مهریه در عقد نکاح دانست. آیات مورد نظر عبارتند از:

۱. وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّن لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُنَّ فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا. (نساء، ۴/۴)

«مهریه زنان را به عنوان هدیه زناشویی بدون متنی به شیرینی به ایشان بدهید. پس اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را گوارا بخورید.»

در تفسیر مجمع البیان آمده است (شیخ طبرسی، ۱۴۱۵ هـ. ق، ۱۵): «معنای «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» آن است که مهرهای زنان را به عنوان عطیه ای از جانب خداوند به آنان بپردازید، چرا که خداوند متعال استمتاع را بین زن و مرد مشترک قرار داده و پس از آن برای زن در مقابل استمتاعی

که از وی می شود مهری را به عهده زوج نهاده است، بنابراین مهر عطیه ای از جانب خداوند برای زنان محسوب می شود.

۲. وَ إِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا بُيِّنَا وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا. (نساء، ۴۱ / ۲۰-۲۱)

«اگر خواستید همسری (دیگر) به جای همسر (پیشین خود) برگزینید و به یکی از آنان بار شتری طلا داده اید، پس چیزی از او باز پس مگیرید. آیا می خواهید آن (مال) را به بهتان و گناهی پیگیر و آشکارگر (از آنان) باز پس گیرید؟ چگونه آن مال را (از آنان) باز می ستانید با آنکه همواره با یکدیگر خلوت کرده اید (تنگتنگ بهره زناشویی و کام گرفته اید) و آنان هم از شما پیمانی استوار گرفته اند.»

۳. لَأَجْحَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتَعَوَّهْنَ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَ عَلَى الْمُفْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصَفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَحْفُونَ أَوْ يَعْفُوا أَلَدِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى وَكَاتَسَوَّاءَ الْفَضْلُ بَيْنَكُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا. (بقره / ۲ / ۲۳۷-۲۳۶)

«اگر زنان را - مادامی که با آنان نزدیکی نکرده، یا برایشان مهری معین نکرده اید - طلاق گوید، بر شما هرگز گناهی نیست و آنان را به شایستگی به مالی (افزون بر مهریه) بهره مند کنید - توانگر به اندازه گشایشش، و تنگدست به اندازه تنگدستی اش - حال آنکه (این) حقی است بر عهده نیکوکاران. و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید طلاقشان دادید، حال آنکه برایشان مهری معین کرده اید، نصف آنچه را تعیین نموده اید (به آنان بدهید) مگر اینکه خودشان آن (هم) ببخشند؛ یا کسی که پیوند نکاح (و طلاق) تنها به دست اوست (که همان شوهر است) ببخشد (که تمامی مهر مقرر را بپردازد) و گذشت کردن شما شوهران (از گذشت زنان) به تقوی نزدیک تر است. و در میان یکدیگر (بزرگواری و) فضیلت را فراموش مکنید. همواره خدا به آنچه انجام می دهید بیناست.»

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْفُتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَ لَاتَعْتَصِلُوهُنَّ لِنَذَاهِبِنَا بِيَعُضٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. (نساء / ۱۹/۴)

«هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که (خود) زنان (امواتان) به ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را که به آنان داده‌اید از ایشان باز ستانید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند. و با آنان به شایستگی رفتار کنید، (حتی) اگر از آنان خوششان نیامد. شاید چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن خیری فراوان قرار می‌دهد.»

علاوه بر آنکه در باره صدر آیه جای بحث وجود دارد که مراد از «أَنْ تَرْفُتُوا النِّسَاءَ» چیست؛ ادامه آیه مورد نظر است که علامه طباطبایی معتقدند (طباطبایی، ۱۳۶۷ ه. ش، ۴۰۳: «این آیه از سختگیری بر زنان به هر صورت که منتهی به بخشیدن مهر خود به شوهر باشد، (برای رهایی از ازدواج و نجات از تنگای زناشویی) نهی می‌کند، پس سختگیری به این قصد برای شوهر حرام است، مگر آنکه زن فحشای آشکارا و هویدایی مرتکب شود.»

به نظر می‌رسد که نکات زیر را بتوان از آیات مذکور استفاده نمود:

الف) مهریه به عنوان هدیه ای از جانب خداوند است که مرد باید به زن بپردازد، نه به عنوان مزد و اجرت برای وی. همچنین آیه اشاره دارد به اینکه پس از مقرر داشتن مهریه تنها در صورتی مرد می‌تواند از مهریه بخورد (استفاده کند) که به میل و رغبت زوجه باشد.

ب) آیات مذکور بر ضرورت پرداخت مهریه تأکید داشته و بازپس گرفتن آن را در هنگام طلاق حتی در صورت زیاد بودن آن، منع می‌کند.

ج) همبستری و آمیزش بین زوجین موجب ثبوت تمام مهر بر ذمه زوج می‌گردد و پس از آن هیچ حقی برای بازپس گیری آن ولو نسبت به بخشی از آن برای مرد باقی نمی‌ماند، مگر آنکه زوجه بدان رضایت داشته باشد.

د) از آیه دوم می‌توان این نکته را به دست آورد که اگر قبل از همبستر شدن و آمیزش زوج با زوجه طلاق واقع شود، تمام مهر ثابت نیست.

ه) مقرر کردن مهریه در ضمن عقد به منزله پیمانی محکم و میثاقی غلیظ است که مطابق آموزه‌های دینی این پیمان و میثاق لازم‌الوقفا بوده و زوج نباید با ترفندهای گوناگون سعی در پیمان شکنی داشته باشد.

وادر آیه مذکور در شماره ۳ به مهر المتعه اشاره دارد، مبنی بر اینکه اگر زوجه خود را قبل از آمیزش طلاق داده اید و مهری برای وی تعیین نشده است هر مرد با توجه به شرایط مالی و تمکن خود، مالی را به وی اختصاص دهد، چرا که این شیوه و مرام نیکوکاران است.

ز(آیه مذکور در شماره ۴ اشاره دارد به اینکه مرد نباید در زندگی عرصه را بر زن تنگ نموده و او را تحت فشار قرار داده به گونه ای که مجبور به بازگرداندن تمام و یا بخشی از مهری که به وی پرداخت شده است، شود. البته اگر زن به زندگی زناشویی وفادار نبوده به طوری که مرتکب فحشایی آشکار گردد، از این قاعده استثناء خواهد بود، به این معنی که بازپس گیری آنچه که به وی پرداخت شده است، منع شرعی ندارد.

(ب) روایات

با توجه به آیات قرآنی مذکور مشروعیت مهر در عقد نکاح مبنای قرآنی دارد، اما در پی آیات قرآنی روایاتی نیز از معصومین - علیهم السلام - در راستای تشریح جزئیات مهریه نقل شده است. به برخی از آنها در قسمت موانع استیفای مهریه در همین مقاله اشاره شده است، اما به اقتضای بحث در اینجا نیز به روایاتی به شرح زیر اشاره می شود:

دسته نخست: میزان مهریه از منظر روایات

از مباحث مهمی که در باره مهر مطرح بوده، آن است که مقدار و میزان آن در عقد نکاح مطابق روایات چقدر است؟ و آیا حداقل و یا حداکثری برای آن قائل شده اند یا خیر؟ با فرض اینکه در روایات مقداری برای مهر تعیین شده باشد، آیا آن مقدار برای همه ادوار و اعصار موضوعیت دارد؟ با بررسی روایاتی که از معصومین - علیهم السلام - نقل شده است، مشخص می شود که تعیین مهر به منزله حریم خصوصی افراد محسوب شده و به منزله قراردادی آن را لحاظ کرده که فقط توافق و تراضی طرفین در آن دخالت داشته و از سوی شارع مقدس کف یا سقنی برای آن معین نشده است، اگر چه در ضمن برخی روایات توصیه هایی شده است مبنی بر آنکه ترجیح دارد که در تعیین مهریه از سنت رسول گرامی اسلام تبعیت شود و حد و اندازه متعارف در آن رعایت شود؛ اما هیچ یک از این روایات زوجین را ملزم به تعیین مهر به میزان مشخصی نمی

کند، بلکه تراضی طرفین را در میزان مهریه ملاک قرار می دهد. از جمله این روایات بدین شرح است:

۱. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: صداق، همان مقدار کم یا زیادی است که دو طرف بر آن سازش کنند. (حر عاملی، بی تا، ۱) در ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی نیز به همین نکته اشاره دارد که تعیین مهر منوط به تراضی طرفین است.

۲. از امام باقر - علیه السلام - درباره مردی سؤال شده است که با زنی بر اساس تصمیم همان زن در مورد میزان مهر ازدواج کرده است. حضرت فرمودند: حکم آن زن نباید از مهر خاندان حضرت محمد (ص) یعنی پانصد درهم نقره تجاوز کند؛ سؤال کننده عرض کرد: اگر مرد بر اساس تصمیم خود (در خصوص میزان مهریه) با او ازدواج کرد، و زن رضایت داد؟ حضرت فرمود: هر چه مرد حکم کند بر زن رواست؛ کم باشد یا زیاد. (حر عاملی، بی تا، ۳۱)

۳. از امام صادق - علیه السلام - سؤال شده است: کمترین مقدار کافی از مهر چقدر است؟ فرمودند: یک کله قند. (حر عاملی، بی تا، ۲۰) این روایت و روایاتی از این دست حاکی از آنند که برای مهریه حداقلی در نظر گرفته نشده است.

۴. از امام رضا - علیه السلام - در باره مردی سؤال شده است که با زنی ازدواج می کند به شرط آنکه مهر او یک خدمتگزار باشد؛ امام فرمودند: خدمتگزاری متوسط باشد. و سؤال شد: اگر خانه ای باشد؟ فرمودند: خانه ای متوسط باشد. (حر عاملی، بی تا، ۳۶)

۵. از معصوم درباره مردی سؤال شده است که با زنی قبل از تعیین مهر ازدواج می کند و با او همبستر می شود و سپس او را طلاق می دهد؛ حضرت فرمودند: برای او مهری همچون مهر دیگر زنان همسان است، و به چیزی او را بهره مند سازد. (حر عاملی، بی تا، ۲۴)

۶. از امام صادق - علیه السلام - درباره مردی سؤال شده است که مشخص کردن مقدار صداق زنش به او واگذار می شود و او مقدار صداق را کمتر از زنان دیگر در نظر می گیرد؛ حضرت فرمودند: صداق او همانند مهر زنان همسانش خواهد بود. (حر عاملی، بی تا، ۳۲)

دسته دوم: موضوع مهریه از منظر روایات

یکی دیگر از سؤالات راجع به مهریه آن است که چه چیزهایی را می توان به عنوان مهر در نظر گرفت؟ آیا فقط اعیان را می توان مهر قرار داد یا اینکه منافع هم برای تعیین مهر موضوعیت دارند؟ روایاتی که در این رابطه وارد شده است حاکی از آن است که هم عین و هم منفعت را می توان به عنوان مهر در نظر گرفت. به نظر می رسد برداشت قانونگذار از متون دینی در وضع ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مبنی بر اینکه هر چیزی را که مالیت داشته باشد، می توان مهر قرار داد برداشت صحیحی باشد. در روایاتی که به برخی از آنها اشاره می شود مناطی را برای در نظر گرفتن هر عین یا منفعتی به عنوان مهریه قرار می دهند و آن عبارت است از اینکه مهر نباید چیزی باشد که حلالی را حرام و حرامی را حلال نماید. به برخی از روایات به شرح زیر اشاره می شود:

۱. بر اساس روایتی امام باقر علیه السلام در مورد اینکه منفعت را می توان مهر قرار داد، به سیره رسول خدا اشاره می کند که پیامبر اسلام از مردی که طالب ازدواج با زنی بود بعد از آنکه دریافت، مرد مالی ندارد تا به عنوان مهر در نظر گیرد به او فرمودند: آیا از قرآن چیزی می دانی؟ آن مرد گفت: آری. پیامبر فرمودند: شما را به ازدواج هم در می آورم بر اساس آنچه از قرآن نیکو می دانی، پس آن را به این زن هم بیاموز. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵ هـ. ش، ۲۵۴)
۲. از امام باقر - علیه السلام - درباره مردی سؤال شده است که با زنی ازدواج نموده به شرط آن که سوره ای از قرآن را به او بیاموزد. حضرت فرمودند: دوست ندارم با او آمیزش کند، مگر اینکه آن سوره را به او بیاموزد، یا چیزی به او دهد. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵ هـ. ش، ۳۶۷)
۳. به امام صادق - علیه السلام - عرض شد: یک مرد مسیحی با یک زن ازدواج می کند به شرط اینکه مهر وی سی خم شراب و سی رأس خوک باشد، و سپس هر دو اسلام می آورند و آمیزش هم صورت نگرفته است؛ امام فرمودند: مرد باید ببیند بهای خوک و شراب چقدر است و قیمت آن را به زن بدهد و سپس همبستری و آمیزش صورت بگیرد، و هر دو بر نکاح نخستین خود هستند. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵ هـ. ش، ۳۵۶)

۴. از علی بن ابی طالب - علیه السلام - نقل شده است که فرمودند: هر که برای زنش شرطی می‌کند باید به آن شرط برای آن زن وفا کند، زیرا مسلمانان در گرو شروطشان هستند، مگر شرطی که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کند. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵ ه. ش، ۴۶۷)

دسته سوم: زمان پرداخت مهر از منظر روایات

فقط اتفاق نظر دارند که زن پس از انعقاد عقد نکاح مالک مهریه می‌شود. در قانون مدنی ماده ۱۰۸۲ نیز اشاره دارد به اینکه به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. بنابراین در صورتی که طرفین زمان خاصی جهت پرداخت مهر از سوی زوج به زوج معین نکرده باشند، بلافاصله پس از انعقاد عقد نکاح مهر بر ذمه زوج ثابت بوده و باید آن را بپردازد؛ البته این دین نیز مانند سایر دیون می‌تواند با قبول ذی حق (طلبکار) مؤجل گردد. در روایتی از امام صادق - علیه السلام - آمده است: هر گاه مردی با زنی ازدواج کند و مالی نداشته باشد که به او بدهد و آمیزش صورت گیرد، این به عنوان دینی خواهد بود که زن بر عهده آن مرد دارد. (شیخ طوسی، بی تا، ۲۲۱) همچنین امام صادق - علیه السلام - درباره مردی که ازدواج می‌کند و پرداخت مقداری از مهریه را فوری و بقیه را نسیه مقرر کند، فرموده اند: نسیه تا مرگ است یا جدایی. (حر عاملی، بی تا، ۲۰)

پیامبر اکرم - صلوات الله علیه - نیز در روایتی زن را پس از انعقاد عقد مالک مهر می‌داند و صدقه و بخشش آن را قبل از آمیزش مستوجب ثواب و بخشش آن را پس از آمیزش نشانه مودت و الفت معرفی می‌فرماید. (حر عاملی، بی تا، ۳۶)

دسته چهارم: استحقاق زن از مهریه قبل از آمیزش

آنچه که فقها از روایات استنباط کرده اند آن بوده که اگر چه زن پس از انعقاد عقد نکاح مالک همه مهریه مقرر می‌شود؛ اما قائلند که مالکیت زن نسبت به نیمی از آن تا زمانی که آمیزش صورت نگرفته باشد، مالکیتی متزلزل است؛ به این معنی که اگر مردی قبل از نزدیکی و آمیزش با همسرش او را طلاق دهد، چنانچه مهریه را قبلاً پرداخت کرده باشد، نیمی از آن به وی مسترد می‌شود و اگر مهریه را نپرداخته باشد، ملزم به پرداخت نیمی از مهریه خواهد بود. البته این در صورتی

است که در ضمن عقد برای زن مهریه ای مقرر کرده باشند؛ اما اگر مهریه ای مقرر نشده باشد و قبل از آمیزش طلاق واقع شود زن استحقاق مهر المته را پیدا خواهد نمود. از امام صادق - علیه السلام - درباره مردی که پیش از همبستر شدن و آمیزش زنش را طلاق می دهد سؤال شده است که آن حضرت فرمودند: اگر مهری برای زن در نظر گرفته شده بود، مرد نیمی از مهر را می پردازد و اگر مهری در نظر گرفته نشده بود، زن را به چیزی بهره مند سازد، همانند آنچه زنان همسانش را بهره مند می سازند. (حر عاملی، بی تا، ۵۵) در روایت دیگری که از مقدار مهر المته سؤال شد؛ آمده است: باید به تناسب دارایی همسر زن (زوج) باشد. (حر عاملی، بی تا، ۵۸)

محاسبه مهریه به نرخ روز

همان طور که قبلاً اشاره شد مهر می تواند عین، منفعت و یا حتی حقوقی که قابلیت انتقال را داشته باشد، در نظر گرفته شود. بنابراین گاهی ممکن است وجه رایج به عنوان مهر قرار داده شود. با توجه به آنکه در جامعه امروز قوانین اسلامی حاکمیت دارد، دست اندر کاران قضایی و قانونگذاران کشور در راستای مهریه با پدیده ای مواجه شده اند که توجه آنها را به خود جلب کرده است و آن پدیده، کاهش ارزش و اعتبار وجوه رایج در زمانهای مختلف می باشد؛ به عنوان مثال، زنی که در سال ۱۳۵۲ هـ. ش با مهریه شصت هزار ریال وجه رایج کشور ازدواج کرده باشد و زوج نسبت به پرداخت آن در هنگام عقد اقدام نکرده و در ذمه وی باقی مانده باشد و اگر بنا باشد در سال ۱۳۸۴ هـ. ش این وجه پرداخت گردد، ارزش و اعتبار مالی وجه مذکور در این فاصله زمانی به شدت کاهش یافته است و در این بین ضرر و زیان ناشی از تأخیر پرداخت مهر توسط مرد متوجه زن می شود، بنابراین قانونگذار برای حل این مشکل و احیاناً تدارک ضرر و زیان وارده در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۹ تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی را تصویب نموده است، مبنی بر اینکه چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. این مصوبه با مبانی فقهی برخی از فقها سازگار نبوده تا جایی که حتی برخی از آنان که اشاره خواهد شد، محاسبه مهریه به نرخ روز را حرام دانسته اند.

نحوه محاسبه مهریه به نرخ روز:

بر اساس مفاد ذیل تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مقرر شده است آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد. در پی آن آیین نامه اجرایی قانون یاد شده توسط هیأت وزیران به تصویب رسید که برخی از مواد آن بدین شرح است: (مصوبه هیأت دولت، شماره ۱۰۱۷۳۷/ت/۱۹۰۰۸ هـ، مورخه ۱۳۷۷/۲/۱۵)

ماده ۲: نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است:

متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه.

ماده ۳: در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود، تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود.

ماده ۴: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام موارد ذیل می باشد:

الف) شاخص های بهای سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و در اختیار قوه قضائیه قرار دهد.

ب) شاخص بهای مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خردادماه تهیه و به قوه قضائیه اعلام نماید.

ماده ۵: دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند در محاسبه میزان مهریه وجه رایج

مطابق ماده ۲ و در تعیین تغییر شاخص قیمت مهریه بر اساس شاخص های مقرر در ماده ۴ این آیین نامه اقدام نمایند.

به استناد ماده ۴ آئین نامه مذکور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نرخ شاخص تورم را تا پایان سال ۱۳۸۳ به شرح جدول زیر اعلام نموده است :

سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص
۱۳۱۵	۰/۰۵	۱۳۲۳	۰/۶۲	۱۳۵۱	۱/۱۵	۱۳۶۹	۱۸/۵۸
۱۳۱۶	۰/۰۷	۱۳۳۴	۰/۶۳	۱۳۵۲	۱/۲۸	۱۳۷۰	۲۲/۴۳
۱۳۱۷	۰/۰۷	۱۳۳۵	۰/۶۸	۱۳۵۳	۱/۴۸	۱۳۷۱	۲۷/۹۰
۱۳۱۸	۰/۰۸	۱۳۳۶	۰/۷۱	۱۳۵۴	۱/۶۳	۱۳۷۲	۳۴/۲۶
۱۳۱۹	۰/۰۹	۱۳۳۷	۰/۷۲	۱۳۵۵	۱/۹۰	۱۳۷۳	۴۶/۳۲
۱۳۲۰	۰/۱۳	۱۳۳۸	۰/۸۱	۱۳۵۶	۲/۳۷	۱۳۷۴	۶۹/۱۹
۱۳۲۱	۰/۲۵	۱۳۳۹	۰/۸۸	۱۳۵۷	۲/۶۱	۱۳۷۵	۸۵/۲۶
۱۳۲۲	۰/۵۴	۱۳۴۰	۰/۸۹	۱۳۵۸	۲/۹۱	۱۳۷۶	۱۰۰/۰۰
۱۳۲۳	۰/۵۵	۱۳۴۱	۰/۹۰	۱۳۵۹	۳/۵۹	۱۳۷۷	۱۱۸/۰۸
۱۳۲۴	۰/۴۷	۱۳۴۲	۰/۹۱	۱۳۶۰	۴/۴۲	۱۳۷۸	۱۴۱/۸۳
۱۳۲۵	۰/۴۲	۱۳۴۳	۰/۹۵	۱۳۶۱	۵/۲۶	۱۳۷۹	۱۵۹/۷۱
۱۳۲۶	۰/۴۴	۱۳۴۴	۰/۹۵	۱۳۶۲	۶/۰۴	۱۳۸۰	۱۷۷/۹۱
۱۳۲۷	۰/۴۹	۱۳۴۵	۰/۹۶	۱۳۶۳	۶/۶۷	۱۳۸۱	۲۰۵/۹۸
۱۳۲۸	۰/۵۱	۱۳۴۶	۰/۹۶	۱۳۶۴	۷/۱۳	۱۳۸۲	۲۳۸/۱۸
۱۳۲۹	۰/۴۲	۱۳۴۷	۰/۹۸	۱۳۶۵	۸/۸۲	۱۳۸۳	۲۷۴/۴۶
۱۳۳۰	۰/۴۶	۱۳۴۸	۱/۰۱	۱۳۶۶	۱۱/۲۶		
۱۳۳۱	۰/۴۹	۱۳۴۹	۱/۰۳	۱۳۶۷	۱۴/۵۲		
۱۳۳۲	۰/۵۳	۱۳۵۰	۱/۰۹	۱۳۶۸	۱۷/۰۵		

مثال : اگر زنی در سال ۱۳۵۲ با مبلغ مهریه شش هزار تومان ازدواج کرده باشد و مهریه وی در ذمه زوج باقی مانده باشد تا اینکه در سال ۱۳۸۴ زوج تقاضای طلاق داده باشد و یا آنکه در آن سال زوج فوت کند، نحوه محاسبه مهریه زن به نرخ روز بدین شرح خواهد بود:

مهریه به نرخ روز = مهریه × متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد + متوسط شاخص بها در سال قبل از مطالبه

$$۲۷۴/۴۶ \div ۱/۲۸ = ۲۱۴/۴۲۱ \times ۶۰۰۰ = ۱,۲۸۶,۵۲۶$$

عدد [۲۷۴/۴۶] که شاخص سال قبل از وقوع طلاق یا فوت است، تقسیم بر عدد شاخص سال وقوع عقد [۱/۲۸] می شود، نتیجه آن که [۲۱۴/۴۲۱] می باشد، در مبلغ شش هزار تومان یعنی مبلغ مهریه در سال اجرای عقد ضرب می شود؛ نتیجه حاصله [۱,۲۸۶,۵۲۶ تومان] وجهی خواهد بود که زوج باید قبل از طلاق به زوجه بپردازد و یا قبل از تقسیم ارث باید از ترکه زوج متوفی به زوجه اختصاص یابد.

بررسی دیدگاهها

همان طور که گفته شد، مهریه می تواند:

۱. عین باشد.

الف) عین معین و مشخصی باشد؛ به عنوان مثال مردی خانه معین یا زمین مشخص یا اتومبیل موردنظری را به عنوان مهر زوجه خود قرار داده باشد.

ب) کلی در ذمه باشد؛ به عنوان مثال مرد پرداخت وجهی را به زوجه خود به عنوان مهریه به عهده گیرد.

۲. انجام عمل یا منفعت عینی باشد؛ مانند آنجایی که مردی آموزش دادن زبان خاصی یا استفاده از منافع مغازه ای را به عنوان مهریه زن خود قرار داده باشد.

۳. حقی باشد؛ مانند حق تحجیر.

مهریه هر کدام از موارد مذکور که باشد تعهدی است که زوج نسبت به زوجه داشته و باید آن را ایفاء نماید. اگر متعهد (زوج) در زمان انعقاد عقد نکاح و یا در مدت زمانی نزدیک به انعقاد عقد ایفاء تعهد نماید، هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد و فرقی نمی کند مورد تعهد عین باشد یا منفعت و یا حقی که قابلیت انتقال را دارد؛ اما اگر از زمان ایجاد تعهد تا وفای به آن مدت زمان قابل ملاحظه ای بگذرد، آیا می توان گفت، زوج با ایفاء همان میزان تعهد مقرر از عهده دینی که بر ذمه اش بوده، برآمده است؟

به نظر می رسد که بسیاری از علما معتقدند که ایفاء تعهد در مواردی که مهریه انجام عمل خاص مثل آموزش یک زبان خارجی یا تملیک مال معین مثل خانه یا اتومبیل باشد، با مشکل

خاصی روبرو نیست و هر زمان این اعمال انجام شود، زوج دین خود را ادا کرده است. مثلاً هرگاه مهریه زنی یک دستگاه اتومبیل با مشخصات معین باشد، زوج هر زمان که اتومبیلی را با همان مشخصات تسلیم زوجه نماید، دین خود را ایفا کرده و نوسان قیمت در این مورد اثری ندارد. در هر حال مرد ملزم است یک دستگاه اتومبیل را به عنوان مهر به همسر خود تسلیم کند (شهیدی، ۱۳۷۷ ه. ش، ۱۲۲).
 اعتم از آنکه قیمت آن نسبت به زمان عقد بالا رفته یا نسبت به آن زمان پایین آمده باشد.

اما هنگامی که مهریه نقد رایج کشور باشد، این بحث مطرح می‌شود که آیا زوج با پرداخت همان مبلغ زمان عقد به تعهد خود عمل کرده و بریء الذمه محسوب می‌شود؟ یا خیر؟ به عنوان مثال اگر ازدواج ده سال پیش از این واقع شده باشد و پس از آن، زن مهریه خود را - که نقد رایج کشور بوده است - مطالبه کند، آیا با پرداخت همان وجه و مبلغی که ده سال پیش مقرر کرده بودند، از این دین بریء الذمه می‌گردد؟ علت طرح این مسأله آن است که معمولاً با افزایش نرخ تورم در کشور وجهی را که زوج بنا دارد امروز بپردازد ارزش بسیار کمتری نسبت به زمانی که بر ذمه وی ثابت شده است، دارد. بنابراین با تأخیر زوج در تأدیه دین خود، در حق زوجه اجحاف خواهد شد. در مورد محاسبه مهریه به نرخ روز در صورتی که نقد رایج کشور باشد سه دیدگاه مطرح شده است:

دیدگاه نخست: حرام بودن محاسبه مهریه به نرخ روز

معتقدان به این نظر عقیده دارند آنچه که در ذمه زوج ثابت است، همان مقدار وجهی است که در ضمن عقد نکاح و یا بعد از آن، طرفین بر آن توافق کرده اند. بنابراین ذمه زوج به همان میزان مشغول است و دلیلی وجود ندارد که با گذشت زمان میزان مهری که پرداخت آن بر عهده زوج است افزایش یابد؛ چرا که در این صورت حکم ربا را پیدا می‌کند.

دیدگاه دوم: مشروع بودن محاسبه مهریه به نرخ روز

استدلال طرفداران به این دیدگاه آن است که چنانچه وجه رایج کشور در زمان ازدواج به عنوان مهر قرار داده شود، در واقع ارزش آن پول به عنوان مهریه می‌باشد، نه خود پول. به تعبیر دیگر این گروه می‌گویند پول و اسکناس به خودی خود هیچ ارزشی ندارد و ارزش آن، قراردادی

و اعتباری و در زمانهای مختلف معمولاً متغیر است. یعنی اگر امروز ما بتوانیم مثلاً با مبلغ یکصد هزار تومان یک دستگاه تلویزیون یا کالای دیگری بخریم معمولاً همین مبلغ ممکن است در سالهای بعد چنین ارزشی را نداشته باشد، بنابراین اگر زوجه به در نظر گرفتن وجهی به عنوان مهریه توافق می کند به واسطه آن ارزشی است که وجه مورد نظر در آن زمان دارد، لذا آنچه که مورد توافق است خود پول نیست، بلکه ارزش آن پول است. البته لازم به ذکر است این نوع محاسبه در صورتی است که مهریه حال باشد نه مؤجل و یا اینکه طرفین در ضمن عقد نحوه خاصی را در محاسبه توافق نکرده باشند؛ به عنوان مثال اگر مهریه زنی مبلغ خاصی باشد و طرفین توافق کرده باشند که این مبلغ (نه این ارزش) ده سال بعد به زوجه تسلیم شود، دیگر محاسبه آن به نحو مذکور معنی ندارد. آیت الله صناعی در فتوای خود همین دیدگاه را پذیرفته است و در قسمتی از استدلال خود آورده اند: (صناعی، ۱۳۸۲ ه. ش، ۲۳۵) «بعید نیست اگر نگوییم ظاهر آن است که در مثل باب مهر و ثمن مبیع و موارد کلی و اشتغال ذمه به نقد رایج، ما فی الذمه نقد است با مالیتش که همان قدرت خرید در آن زمان است؛ چون همان قدرت عامل رغبت است و موجب مالیت و آن هم به تبع، عین مضمون است.» با این استدلال مشخص می شود که مطابق نظر ایشان نقد رایج فی نفسه به عنوان دینی که در ذمه زوج ثابت باشد، نیست؛ بلکه همانطور که در ادامه نیز اشاره کرده اند آنچه را که زوجه طلبکار است و ذمه زوج به آن مشغول است، همان مقدار از نقد رایج است که در عقد آمده با قدرت خرید در آن زمان و زوج بعد از گذشت زمان باید از نقد رایج به قدری پرداخت نماید که همان قدرت خرید را تأمین کند. در پاسخ به اشکال روی بودن چنین محاسبه ای همانند مسأله قرض، نویسنده کتاب گام به گام با حقوق خانواده آورده است: «پاسخی که به این اشکال داده شده این است که، مقایسه قرض با نکاح مع الفارق است؛ زیرا در نکاح، معاوضه وجود دارد، ولی در قرض دائن مال خود را در معرض تلف قرار می دهد.» (حیاتی تبار، ۱۳۸۰ ه. ش، ۱۸۶)

ظاهراً مبتنای قانونگذار در تصویب تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی همین دیدگاه و استدلال مربوط به آن بوده است.

دیدگاه سوم: قائلین به تفصیل

در خصوص ایفای تعهد از سوی زوج دو حالت متصور است: یکی آنکه زوجه مهر خود را مطالبه کرده باشد، اما زوج از پرداخت آن امتناع نموده و مدتی از آن سپری شده باشد. حالت دوم

آنکه زوجه پس از گذشت سالها از در نظر گرفتن مهر، آن را مطالبه نکرده باشد تا زوج خود را ملزم به پرداخت فوری یا عندالمطالبه زوجه ببیند؛ بنابراین فائزین به این دیدگاه می گویند در حالت نخست محاسبه مهریه به نرخ روز در صورتی که وجه رایج باشد بلامانع و مشروع است، اما در حالت دوم محاسبه مهر به نرخ روز مشروعیت ندارد. شاید استدلال این گروه آن باشد، که وقتی زوجه علی رغم حال بودن مهریه آن را مطالبه نکند، عرفاً به معنای آن است که این وجه به عنوان امانت یا بهتر بگوییم به عنوان قرض نزد زوج باقی بماند، لذا وقتی وجه مورد نظر عنوان قرض را پیدا کرده باشد دیگر جایز نیست که در هنگام مطالبه بیش از مبلغ مقرر در نظر گرفته شود.

به نظر نگارنده حالت دیگری نیز باید به این تفصیل اضافه کرد و آن حالتی است که علی رغم آمادگی زوج به ادای دین، زوجه از دریافت آن امتناع ورزد، که در این مورد قابل محاسبه نبودن مهر به نرخ روز مورد اتفاق هر سه دیدگاه می باشد.

موانع بهره مندی زنان از مهریه و راهکارهای آن

۱. فقدان پشتوانه های حقوقی لازم

نگارنده اعتقاد دارد که در رویه قضایی حاکم بر جامعه ایران علی رغم تلاشهای صورت گرفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پشتوانه های قانونی و حقوقی لازم برای استیفای حقوق زنان که مهریه از جمله آن حقوق محسوب می شود، در نظر گرفته نشده است. به گونه ای که نه تنها مردان در استیفای حقوق خود، مراحل سهل و آسانتری را در پیش دارند و با موانع کمتری مواجه هستند، بلکه در بسیاری از موارد فقدان قوانین حمایتی و پشتوانه ای از حقوق زنان موجب سوء استفاده مردان در مواجهه و منازعه با آنان شده است.

شاید بتوان گفت فقدان قوانین و ضوابط حمایتی لازم از حقوق زنان موجب شده است که زنان جامعه امروز ما به نوعی به سمت و سوی استقلال اقتصادی روی آورند؛ در حالی که مطابق شریعت اسلام و قوانین موضوعه، اداره اقتصاد خانواده از وظایف و تکالیف زوج است. به اعتقاد نگارنده بین عدم تدوین قوانین حمایتی و فقدان امنیت کامل حقوقی زنان و گرایش آنان به سوی استقلال اقتصادی رابطه معنی داری وجود دارد.

خبر زیر که به نقل از معاون مجتمع قضایی خانواده می باشد، حکایت از همین واقعیت دارد که بدان اشاره شد. ایشان در خصوص درصد زنانی که موفق به دریافت مهریه می شوند گفت: بررسی ها نشان می دهد تنها ۳ الی ۴ درصد زنان مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده موفق به دریافت مهریه می شوند. وی افزود: امروزه اکثر مردان به دنبال ترفندی برای عدم پرداخت مهریه و در نهایت به دنبال راه حلی برای طولانی کردن مسیر رسیدگی به پرونده هستند و در این امر به راههای متفاوتی متوسل می شوند. (خبرگزاری زنان ایران - ایونا، سایت اینترنتی www.iwna.ir)

باید با جستجو در پرونده های خانواده ها و دعاوی زناشویی بررسی نمود که چه عواملی باعث می شود بسیاری از زنان برای رهایی از زندگی مشترک که بنا به هر دلیلی تفاهمی بین زن و مرد وجود ندارد به ناچار باید از حقوق تعریف شده خود در شرع و قانون دست بردارند؟ برخی از صاحب نظران وقتی که می خواهند از رعایت حقوق زن در اسلام سخن برانند و حتی در مقابل مسائلی مثل نصف بودن دیه زن در مقایسه با دیه مرد و همچنین دو برابر بودن ارث مرد در مقایسه با زن توجیهی ارائه دهند با استناد به برخی روایات موضوع وجود مهر را برای زن به عنوان امتیازی در مقابل محرومیت های ارث و دیه و ... معرفی می کنند؛ (شیخ صدوق، ۱۹۶۶ م، ۵۷۰) اما سؤال اساسی آن است که این چه امتیاز و حقی است که در عمل پشتوانه قانونی و شرعی لازم برای استیفای آن وجود ندارد و زنان مسلمان در بسیاری از موارد نه با رضایت باطنی، بلکه از روی ناچاری مجبور به چشم پوشی از این حق مسلم هستند؟ به نظر نگارنده باید راهکاری را اندیشید که هم زنان بتوانند به حقوق مسلم خود در رابطه با مهریه دست یابند و هم زمینه سوء استفاده احتمالی آنان را از بین ببرد.

۲. شیوع فرهنگ غلط قابل استیفا نبودن مهریه

یکی از موانع موجود بر سر راه بهره مندی زنان از مهریه، فرهنگ غلطی است که متأسفانه در بین عموم افراد جامعه جا افتاده است، مبنی بر اینکه مهریه را کی داده و چه کسی گرفته است. این تعبیر نادرست که در بسیاری از موارد حتی از سوی زوج و یا خانواده وی بیان می شود و شاید اغلب در راستای توجیه مهریه سنگینی باشد که خانواده زوج در نظر گرفته است، بنای محکم قابل استیفا نبودن مهریه را خصوصاً در مواردی که بسیار سنگین باشد، بنیان می گذارد. این در حالی است که در آموزه های دینی بر پرداخت مهریه زنان تأکید قابل ملاحظه ای صورت گرفته تا جایی که پیامبر عظیم الشان اسلام - صلوات الله و سلامه علیه و آله - فرموده است: «إن الله یغفر کل ذنب

يوم القيامة الا مهر امرأة...» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه. ق، ۲۶۶) خداوند در روز قیامت هر گناهی، جز گناه پرداخت نکردن مهریه زن را می بخشد. همچنین از امام صادق - علیه السلام - نقل است که: «من مهر مهرا ثم لا ينوی قضاءه کان بمنزلة السارق» (شیخ کلینی، ۱۳۶۷ ه. ش، ۲۸۳) کسی که مهری را در نظر بگیرد و در پی آن نیت پرداخت آن را نداشته باشد به منزله سارق است. و در جای دیگر می فرماید: «من تزوج المرأة ولا يجعل فی نفسه أن يعطيها مهرها فهو زنا» (شیخ کلینی، ۱۳۶۷ ه. ش، ۲۸۳) هر کس با زنی ازدواج کند و در باطن و نیت خود پرداخت مهرش را در نظر نداشته باشد، پس او به مانند مرد زنا کار خواهد بود. و در جای دیگر آمده است: «أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهيمة و حبس مهر المرأة و منع الأجير أجره» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه. ق، ۵۴۴) زشت ترین گناهان سه چیز است: کشتن حیوانات و حبس کردن (پرداخت نکردن) مهر زن و پرداخت نکردن مزد اجیر و کارگر. همه این روایات بر این مطلب دلالت دارند که قصد و نیت پرداختن مهریه گناه محسوب شده و باید نامطلوب است، بنابراین تعبیر عوامانه کی داده و کی گرفته، راجع به مهریه ناپسند بوده و باید نگرش عمومی نسبت به این موضوع اصلاح گردد. از مهم ترین راهکارهای اصلاح نگرش مذکور آن است که حکومت اسلامی با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی که در اختیار دارد و در فرهنگ سازی مؤثر است، از جمله صدا و سیما، مدارس، دانشگاهها، مساجد و ... اطلاع رسانی لازم در جهت توجیه کامل عامه مردم انجام دهد. مهم تر از راهکار مذکور تدوین قوانینی است که موجب گردد زنان جامعه بسیار آسان تر از شرایط فعلی به مهریه دست یابند تا در عمل خط بطلانی بر این تصور غلطی که در عامه جا افتاده، کشیده شود.

۳. مقرر داشتن مهریه سنگین و وابسته کردن مطالبه آن با انفصال و طلاق

مانع دیگری که بر سر راه استیفای حقوق زنان در بهره مندی از مهریه وجود دارد، در نظر گرفتن رقم بالا و سنگین مهریه در هنگام اجرای عقد نکاح است. در بسیاری از موارد رقم مهریه آنقدر سنگین است که زوج نه تنها در حین اجرای عقد نسبت به ادای این تعهد ناتوان است، بلکه در روند عادی زندگی اش طی سالهای متمادی بعد از آن هم امیدی به تحقق چنین توانمندی مالی برای وی جهت پرداخت رقم در نظر گرفته شده وجود ندارد و تعبیر «سنگ بزرگ علامت نزدن است» مصداق پیدا می کند. همان طور که اشاره شد بسیاری از این مشکلات ناشی از آن است که

در عمل این تصورات اگر چه باطل است، محقق می شود؛ چرا که وقتی زوج شرایط را به گونه ای ببیند که در عمل چیزی را نباید بردارد و اگر هم کار به پرداخت مهریه بکشد با ابزارهایی مثل طلاق می تواند زن را به صرف نظر کردن از دریافت مهریه وادار کند و یا لاقبل به دلیل اعسار، زمان بسیار زیادی را برای پرداخت این دین در اختیار دارد، مانع خاصی برای پذیرش این تعهد بر سر راه خود نمی بیند؛ بنابراین باید شرایط را به گونه ای کرد که پرداخت مهریه به زن جدتی گرفته شود.

یکی از سؤالات مهم آن است که آیا در مراحل قانونی نباید مهریه ای را در نظر گرفت که زوج در حین اجرای عقد توان پرداخت آن را داشته باشد و یا در یک فاصله زمانی منطقی و متعارف قدرت پرداخت آن را پیدا کند؟ به تعبیر دیگر آیا بهتر نیست مهریه ای از پشتوانه حقوقی بهره مند گردد که با رعایت قدرت بر تسلیم باشد. زیرا که معنی ندارد فردی ضمن عقدی متعهد به پرداخت مالی شود که نه تنها بالفعل قدرت تسلیم و انجام آن تعهد مالی را ندارد، بلکه روند عادی حکایت از آن داشته باشد که در آینده نیز چنین قدرتی برای آن شخص به انجام تعهد ایجاد نمی شود. جالب این است که یکی از فلسفه های تعیین مهر برای زن بر اساس برخی روایات اینگونه بیان شده است که عقد نکاح به منزله داد و ستد است که خریدار زوج است و فروشنده زوجه و مهریه هم ثمن آن است. (شیخ صدوق، ۱۹۶۶ م، ۵۰۰) اگر این مطلب پذیرفته باشد، باید گفت که یکی از شرایط ثمن و مبیع در عقد بیع آن است که بایع و مشتری قدرت بر تسلیم مبیع و ثمن و قبض و اقباض را داشته باشند؛ پس چگونه ممکن است در این داد و ستد - که اهمیت آن مسلماً بیش از داد و ستد کالا است - ثمنی در نظر گرفته شود که فروشنده و خریدار هر دو و بلکه سایرین می دانند که زوج نه تنها در حال اجرای عقد قدرت پرداخت آن را ندارد، بلکه تحقق چنین توان مالی در مدت زمان کوتاه و متعارفی که بشود برای یک معامله تصور کرد، منتفی می باشد.

یکی دیگر از نکاتی که در باره مهریه جا افتاده و روال متداول زندگی های زناشویی گردیده آن است که بین مطالبه و پرداخت مهریه و وقوع انفصال و جدایی زوجین ملازمه عرفی برقرار شده است به طوری که اگر زنی مهریه خود را که از اموال و دارایی های وی نزد زوج محسوب می شود مطالبه کند، در عرف اجتماعی فعلی این مطالبه را به منزله وقوع اختلاف و ناسازگاری در زندگی زناشویی دانسته و جالب تر آنکه در روند عادی زندگی زناشویی به گونه ای جا افتاده است که معمولاً هیچ زوجی انتظار چنین اقدامی را از سوی زوجه اش ندارد؛ و این در حالی است که

اگر نگرشی منطقی به این موضوع داشته باشیم مطالبه این دین از سوی زوجه مانند مطالباتی است که سایرین بر ذمه زوج دارند. یعنی همان طور که اگر طلبکاری، تقاضای پرداخت طلب خود را از بدهکار نماید دور از انتظار نیست و این مطالبه با بهم خوردن روابط عادی زندگی آنان ملازمه ای ندارد، مطالبه مهریه نیز یکی از آن مواردی است که قاعداً نباید تأثیر نامطلوبی بر روابط زناشویی بگذارد. همین مانع موجب می شود که زوجه تا زمانی که روابط زناشویی روند عادی خود را طی می کند، مطالبه ای از مهر نداشته باشد و این عرف ناروا موجب می شود که وی نتواند از حق مسلمی که شرع و قانون برایش در نظر گرفته اند در زمانی که بخواهد بهره مند شود.

۴. حق طلاق در انحصار مرد

یکی دیگر از موانع اساسی و مهمی که موجب عدم استیفای حق زن از مهریه می شود حق بلامنازع طلاق است که بر اساس اعتقاد فقها در شریعت اسلام فقط به مرد داده شده است؛ چرا که در روایات آمده است: «الطلاق بید من أخذ بالساق» (محقق نوری طبرسی، ۱۴۰۸ هـ. ق، ۳۰۶) و فقها معتقدند که مراد از «من أخذ بالساق» مرد (زوج) است. (علامه حلی، ۱۴۱۵ هـ. ق، ۳۳۱) و زن در این راستا هیچ حقی را ندارد، جز در شرایطی که ممکن است زن حق فسخ را به موجب عیوبی که در مرد است پیدا کند و یا اینکه در شرایطی خاص با نظر دادگاه طلاق واقع شود. البته اگر مرد بخواهد از این حق استفاده کند به پرداخت همه حقوق زن اعم از مهریه و غیر آن ملزم می گردد؛ اما اگر زن زندگی موجود را قابل تحمل نداند هیچ حتی نسبت به جدایی و طلاق ندارد و مجبور است یا به زندگی با هر شرایطی ادامه دهد و یا اینکه به طریقی رضایت مرد را به طلاق جلب نماید که معمولاً اولین و حداقل هزینه جلب رضایت مرد به واقع ساختن طلاق، صرف نظر کردن زن از مهریه مقرر می باشد. ممکن است گفته شود که زن مجبور نیست با هر شرایطی ولو آنکه موجب عسر و حرج شود به زندگی ادامه دهد، بلکه با نظر حاکم، زوج یا به ایجاد شرایط مناسب ملزم می گردد و یا اینکه با پرداخت همه حقوق زن به طلاق مجبور می شود. در پاسخ باید گفت: بار اثباتی در عسر و حرج بودن به نحوی که موجب طلاق شود بر عهده مدعی آن یعنی زن است که این کار با توجه به پنهان بودن مسائل خانوادگی بسیار دشوار و گاهی غیر ممکن است.

قانون و شرع با این حقی که به زوج داده است، عملاً مطالبه مهریه را در شرایط عادی زندگی منتفی کرده است؛ چرا که اگر زنی مهریه اش را با حفظ زندگی زناشویی به اجرا بگذارد و بنا باشد با اعمال قانون، مهریه زن به صورت یکجا و یا بر اساس ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی به صورت اقساط به وی پرداخت شود، در اغلب موارد حق طلاق به عنوان اهرم فشاری در دست زوج محسوب می شود تا به وسیله آن زن را از دریافت مهریه منصرف سازد، چرا که در غیر این صورت، زوج با ادله واهی و در واقع بدون ارائه هیچ دلیل و برهانی می تواند تقاضای طلاق را ارائه دهد و خوشبینانه ترین حالت آن است که زن بین دریافت مهریه و طلاق و جدایی مجبور است یکی را برگزیند و این، به معنای فقدان پشتوانه قانونی و شرعی برای استیفای حق زن در بهره مندی از مهریه می باشد.

برخی در بیان علت انحصار طلاق در دست مرد می گویند: «لِأَنَّ أَحْرَصَ عَلَى بَقَاءِ الزَّوْجِيَّةِ» (سید سابق، ۱۴۰۷ هـ. ق، ۲۲۰) به خاطر اینکه مرد نسبت به بقای زوجیت تمایل بیشتری دارد و یکی از علت های این تمایل بیشتر را اینگونه بیان می دارند که: «عَلَيْهِ أَنْ يُعْطِيَ الْمَطْلُوقَةَ مُؤَخَّرَ الْمَهْرِ» (سید سابق، ۱۴۰۷ هـ. ق، ۲۲۰) یعنی پرداخت مهریه به زنی که طلاق داده می شود، بر عهده مرد است. اگر آن ادعا و این تعلیل پذیرفته شود، به این معنی است که ملزم بودن مرد به پرداخت مهر در صورت تقاضای طلاق، به عنوان یکی از عوامل بازدارنده مرد از ارائه چنین تقاضایی محسوب می شود. حال اگر زمینه های قانونی برای مرد وجود داشته باشد که با ترفندهای مختلف از پرداخت مهر سرباز زند، در عمل این تعلیل خاصیت خود را در حریص تر بودن مرد به بقای زوجیت از دست می دهد.

شاید بتوان در روند قانونگذاری با حفظ این حق برای مردان، در شرایطی آسان تر از آنچه که امروز وجود دارد برای زنان نیز چنین حقی را قائل شد.

۵. فقدان سیستم اطلاعاتی کارآمد از اموال و دارایی های افراد جامعه

یکی دیگر از موانعی که بر سر راه استیفای حقوق زن در بهره مندی از مهریه وجود دارد، نبود سیستم اطلاعاتی کارآمد در کشور است که اطلاعات کاملی از گردش اموال و دارایی های افراد جامعه در آن ثبت و ضبط باشد. اگر بنا باشد زوجه ای مهریه خود را مطالبه کند و در پی آن زوج ادعای اعسار کامل و یا مراتبی از آن را نماید، معرفی اموال و دارایی های زوج بر عهده زوجه است و نظام قضایی و حکومت خود را در این راستا مسؤول نمی داند، در حالی که به اعتقاد

نگارنده مسؤولیت اصلی در جهت تأمین حقوق افراد جامعه متوجه حکومت و از وظایف مسلم آن است. این نقیصه نه فقط در استیفای مهریه، بلکه در همه مطالبات افراد جامعه که بر ذمه دیگران دارند، وجود دارد. در بسیاری از موارد مردانی که قصد طلاق همسران خود را دارند، ابتدا سعی می کنند به فکر اختفای دارایی های خود باشند و پس از آن اقدام به طلاق نمایند و حداقل هزینه ای که طلبکار و در موضوع مورد بحث زن باید پردازد آن است که سالها برای استیفای حق خود به انتظار بنشیند.

راهکارهای دیگر

چندی پیش قانونگذاران به بررسی طرحی در مجلس شورای اسلامی در رابطه با تعیین سقف و حداکثری برای مهریه پرداخته اند که به سرانجام نرسید، به اعتقاد نگارنده نیز با وجود ادله و شرایط مختلف، تعیین حداقل و حداکثر برای مهریه ممکن نیست، اما به نظر می رسد می توان بیمه اجباری مهریه را البته تا سقف مشخصی مطرح نمود؛ بدین صورت که زوج ملزم باشد تا میزانی از مهریه توافق شده را تحت پوشش بیمه اجباری قرار دهد، تا اینکه تضمینی برای رسیدن زن به مهریه خود لاقلاً در هنگام طلاق یا فوت محسوب شود.

شاید گفته شود در نظر گرفتن بیمه اجباری برای مهریه به عنوان مانع جدیدی برای ازدواج جوانان می باشد در حالی که اینگونه به نظر نمی رسد، چرا که هم می توان تدابیری را برای پرداخت تدریجی حق بیمه برای آنان اندیشید و همین طور می توان اجبار مورد نظر را برای میزان مشخصی از مهریه، متفی دانست و علاوه بر همه اینها باید اشاره کرد که اگر جوان یا خانواده وی آنقدر تنگدست هستند که توان پرداخت چنین وجه اندکی را به عنوان حق بیمه در راستای تضمین پرداخت مهریه ندارند، دلیلی ندارد که مهریه سنگین در نظر بگیرند و متعهد به تعهد فراتر از توان خود گردند.

شاید گفته شود بیمه کردن مهریه موجب می شود که مردان یکی از موانع مهم تقاضای طلاق را بر سر راه خود نینند، لذا راحت تر از قبل تقاضای طلاق می دهند و آمار طلاق فزونی می یابد. در پاسخ باید گفت که اولاً زندگی ای که تداوم آن به مبلغ مهریه وابسته باشد نه به مهر و محبت طرفین، چندان ارزش بقا ندارد. ثانیاً این فرضیه ای است که نیاز به اثبات دارد. اتفاقاً همین شبهه در

باره بیمه شخص ثالث اتومبیل‌ها نیز مطرح بوده به طوری که منتقدان قائل بودند که با بیمه کردن دیه و خساراتی که رانندگان به موجب حوادث رانندگی باید بپردازند، موجب می‌شود آنان بی پروا تر رانندگی کنند و تصادفات منتهی به جرح و قتل افزایش یابد، در حالی که پس از سالها تجربه به نظر نمی‌رسد که این فرضیه ثابت شده باشد. یعنی همانطوری که عادتاً بعید و یا غیر ممکن است که فردی حاضر باشد به خاطر بیمه بودن، جان دیگری را در معرض تهدید قرار دهد، در اینجا نیز معمولاً مردی حاضر نیست به صرف بیمه بودن مهریه زندگی مشترک خود را به راحتی در معرض انفصال و جدایی قرار دهد. البته جزئیات این پیشنهاد را باید کارشناسان فن بررسی و ارائه نمایند. علاوه بر این همان طور که از قول معاون مجتمع قضایی خانواده نقل شد، در حال حاضر هم فقط کمتر از ۴ درصد زنان موفق به دریافت مهریه می‌شوند یعنی عملاً در بسیاری از موارد زوج مهریه‌ای پرداخت نمی‌کند تا به عنوان عامل بازدارنده برای تقاضای طلاق محسوب شود.

یکی دیگر از نکاتی که به عقیده نگارنده برای استیفای حقوق زنان در خصوص مهریه می‌تواند مفید واقع شود، الزام زوج به استفاده از تسهیلات بانکی و یا تسهیلاتی از محل اشتغال جهت پرداخت تمام یا لااقل بخشی از مهریه به صورت یکجا در هنگام طلاق می‌باشد. در شرایط کنونی اگر زوج معسر باشد به طوری که یکجا نتواند مهریه خود را بپردازد او را ملزم می‌کنند که به صورت اقساط آن را بپردازد، در حالی که اگر زوج ملزم به استفاده از تسهیلات با سود متعارف شود، هم پرداخت اقساطی مصداق پیدا می‌کند و هم زوجه به تمام یا بخشی از مهریه خود به صورت یکجا دست می‌یابد. البته طبیعی است که این راهکار نسخه‌ای نیست که برای همه افراد به طور یکسان پیچیده شود.

نکته دیگر آنکه مطابق نظر فقها و علمای اسلام و قوانین موضوعه چنانچه فردی بدهکار باشد و ادعای اعسار و تنگدست بودن را نماید، اموال و دارایی‌های وی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پرداخت دیون برخی از دارایی‌ها استثناء شده‌اند، به این معنی که آن دارایی‌ها برای بدهکار حفظ می‌شوند و جهت تأدیه دین و بدهی از آنها استفاده نمی‌شود. از جمله این مستثنیات منزل مسکونی، وسیله نقلیه و ... می‌باشد. به نظر می‌رسد که این دارایی‌ها می‌تواند به عنوان تضمین بازپرداخت تسهیلات دریافتی در گرو ارائه‌کننده تسهیلات قرار داده شود.

سخن پایانی

سخن پایانی آنکه، شریعت اسلام بر اساس مبانی مذکور در قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم السلام - سنت دیرین جامعه بشری را در باره مهریه زن با اصلاحاتی امضاء نموده و آن را به عنوان امتیازی برای زن و حمایت از وی به ویژه در شرایط خاص قرار داده است. مهریه زن زمانی می تواند به عنوان امتیاز برای وی محسوب شود که به راحتی قابل استیفاء باشد.

علی رغم تلاشهای به عمل آمده در جهت استیفای این حق از حقوق زنان در کشور ما، اعتقاد نگارنده بر آن است که هنوز هم پشتوانه حقوقی لازم برای استیفای این حق مسلم زنان وجود ندارد. بنابراین وجود موانعی چون: فقدان پشتوانه های حقوقی لازم، شیوع فرهنگ غلط قابل استیفاء نبودن مهریه، مقرر داشتن مهریه سنگین و وابسته کردن مطالبه آن با انفصال و جدایی، در انحصار مرد بودن حق طلاق، فقدان سیستم اطلاعاتی کارآمد از اموال و دارایی های افراد جامعه موجب شده است مهریه برای اغلب زنان به منزله خرمای بر نخیلی باشد که دست آنان از رسیدن به آن کوتاه مانده است. قانونگذار می تواند با تدابیری که در راستای اصلاح و تکمیل قوانین موضوعه می اندیشد، راه را برای رسیدن زنان به این حق مسلم هموار سازد.

به اعتقاد نگارنده راهکارهایی چون بهره گیری از ابزارهای فرهنگ ساز برای اصلاح نگرش عمومی جامعه به موضوع مهریه، طراحی سیستم اطلاعاتی مناسب جهت آگاهی دقیق از اموال و دارایی های افراد، بیمه اجباری مهریه تا سقف معین و الزام زوج به استفاده از تسهیلات جهت پرداخت تمام یا بخشی از مهریه به صورت یکجا می تواند از جمله راهکارهای استیفای این حق باشد. **إن شاء الله**

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد صادقی تهرانی.
۲. انصاری، شیخ مرتضی، کتاب النکاح، تحقیق: لجنة التحقیق، چاپ اول (۱۴۱۵ هـ. ق).
۳. حبیبی تبار، جواد، گام به گام با حقوق خانواده، ناشر: نشر خرم، چاپ اول (۱۳۸۰).
۴. حر عاملی، وسائل الشیعة (الاسلامیة)، ج ۱۵، تحقیق: شیخ محمد رازی، بیروت - دار احیاء التراث العربی، (بی تا).

۵. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۲۱، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن المطهر (علامه حلی) مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۷، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، (۱۴۱۵ هـ. ق).
۷. حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، تحقیق: صادق شیرازی، تهران: انتشارات استقلال، چاپ دوم، (۱۴۰۹ هـ. ق).
۸. سید سابق، فقه السنة، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ هشتم، (۱۴۰۷ هـ. ق).
۹. شهیدی، مهدی سقوط تعهدات، تهران: نشر حقوقدانان، (۱۳۷۷ هـ. ش).
۱۰. صانعی، یوسف، منتخب الاحکام، انتشارات میثم تمار، چاپ پنجم، (۱۳۸۲ هـ. ش).
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، علل الشرایع، ج ۲، ناشر: المکتبه الحیدریه، (۱۹۶۶ م).
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد خامنه، ج ۴، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ چهارم، (۱۳۶۷ هـ. ش).
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، (۱۴۱۵ هـ. ق).
۱۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، تحقیق: سید حسن خراسان، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، (۱۳۶۵ هـ. ش).
۱۵. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۳، تحقیق: سید حسن خراسان، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، (بی تا).
۱۶. فیض، علیرضا، مبادئ فقه و اصول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم، (۱۳۸۲ هـ. ش).
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، تحقیق: علی اکبر غفاری، ناشر: دارالکتب الاسلامیه - آخوندی، چاپ سوم، (۱۳۶۷ هـ. ش).
۱۸. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی، رساله فی المهر، تحقیق: شیخ مهدی نجف، ناشر: مؤتمر العالمی لآلئیه الشیخ المفید، (بی تا).
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، مؤسسه النشر الاسلامی، (بی تا).
۲۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، تحقیق: شیخ عباس قوجانی، ناشر: دارالکتب الاسلامیه - آخوندی، چاپ سوم، (۱۳۶۷ هـ. ش).
۲۱. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ناشر: مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، چاپ سوم، (۱۴۰۸ هـ. ق).



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی